

از هرج و مر ج ولگام سیستم

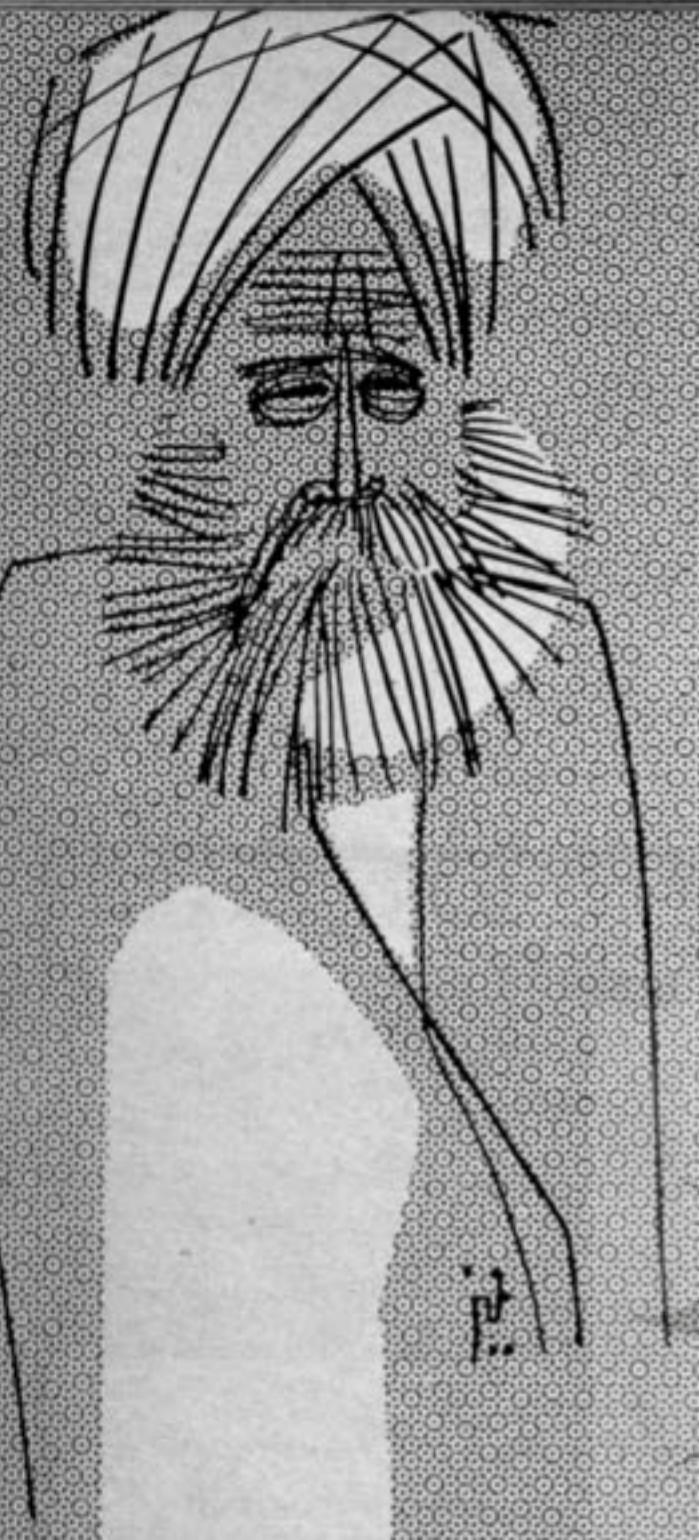
در شر معاصر

از پروین گنبدی

برخی از کسان هنگامیکه به عنوان «تهذیب و تصفیه» در شماره‌های پیشون دیده افکنده‌اند بی‌آنکه تمام مقاله‌ها بخواهند بناشته‌اند و منظور نگارنده بیرون راندن همه کلمه‌های بیگانه از زبان فارسی است؛ در صورتیکه چندین بنداری پیمارخانه خردانه و دور از منطقه و امکان ناپذیر است، و با اینکه بارها یادآوری کرده‌اند، باز هم تکرار می‌کنم که منظور از تصفیه راندن قاعده هاو آنکوئه کلمه‌هایی است که باید استور زبان فارسی و لوجه‌های ایرانی ساز کار نموده باشد از قبیل: (آل) (تنوین) جمع‌های بیگانه دهانند اینها که با استقلال زبان فارسی آمیخته شده‌اند کار آموزش خواندن و توشتن را در آموزشگاه‌ها دشوار می‌سازند. و بی‌تر دید باید این امر از طرف دستگاه صلاحیت‌داری رسیده شود.

بیهوده نوشت که در کشورهای پوشر و مستقل، دستگاه‌های وزیری از قبیل: فرهنگستان‌ها و دانشگاه‌ها موضع مهم زبان ملی خویش را در نهایت دلستگی و کوشش و تلاش مداوم رهبری می‌کنند، اگر امروز درین اسر کشورها دسته محدودی از نویسنده‌گان هدفهای سه‌گانه‌ی را که در نخستین مقاله پروردید در نظر می‌گیرند و مرا اعات می‌کنند، با توسعه‌ی سریعی که برای فرهنگ درین چند سال حاصل آمده است هزاران جوان تحصیل کرده‌ی دیگر بعلت نبودن دستگاه رهبری کنندگی دوقوی برای این امر مهم حیاتی دارد و در جامع مشکلهای کوتنا کون می‌شوند و بسیب نبودن لغت و دستور عده‌ون جامعی هر کس از پیش خود مشکلهای را که با آنها در امر ترجمه و دیگر مسئله‌های ادبی روی و می‌شود حل می‌کند و در تبیجه روز بروز پرشماره‌ی غلطها و موضع‌های خارج از قاعده‌ی دستور زبان آغاز و می‌شود.

در شماره‌ی گذشته نیز بیان آور شدم که نبودن فرهنگستان زبان فراوان به پیشرفت و تهدیب زبان مهربانی و امروزه همچنانکه همه‌ی کارهای اجتماعی و اقتصادی بوسیله‌ی دستگاه‌های رهبری کنندگان بیشتر گام پروردید ناگزیر باید امر مهم زبان نیز دارای چنین دستگاهی باشد زیرا زبان از پیکر و مورد نیاز مداوم مردم در ارتباط بایکدیگر می‌باشد و مهمنه‌رین وسیله‌ی تفاهم است و از سوی دیگران لحاظ ملیت عامل مهمی بشمار می‌رود و نیز از نظر نویسندگان و شعر در هنرها زیباتانی ری شکر دارد و پیش دستگاه رهبری کنندگان از جنبه‌ی رابطه‌ی پاملهای دیگر واقعه‌سی داشت و فرهنگ آستانه ترجمه‌ی کتابها بزمیان پارسی بسویار مورد نیاز است. خوشبختانه بر حسب اطلاعی که از منبع موثق بدست آمد شنیدم که وزارت فرهنگ بستوراً که دارای فرهنگ جدید در صدد گشایش فرهنگستان است و در آینده نزدیکی فرهنگستان ایران فعالیت‌های خود را از سرخواهد کرفت تردیدی نوشت که فرهنگستان پیشون با همه‌ی اتفاقات این که از آن می‌شود از نبود آن سودمندتر بود و با بر مثل معروف وجود ناقص به از عدم سرف است و اگر تا امروز باید از می‌بود پیش اصلاحهای هم در آن بعمل می‌آمد و گامهای بلندی در این پیشرفت و تهدیب و تصفیه‌ی زبان فارسی بروند. امروزه حتی در کوچکترین کشورهای هر چیز زبان انجمنهای بنام «المجمع العلمی» بجا آ کارهای پیافرندگستان وجود دارد که همه‌ماهه لغتهای دستگاهی مربوط به رهبری از پیکرهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را بوسیله‌ی مجله‌ی خاص منتشر می‌کنند و در دسترس مردم قرار می‌گیرند آنها نیز روشی منطقی درین باره هر گزیده‌اند و بی‌تعصب لغتهای بیگانه و ادرم موضوع‌های کوتنا کون که مورد نیاز است با اندک تدویر یابی تقوییر (در صورتیکه موافق لوجه‌ی آنها باشد) می‌پذیرند و اگر داد



زبان خود کلمه یا اصطلاحی معادل کلمه‌ی خارجی یافتند پوشش آنرا بر کلمه بیکانه ترجیح مودهند و در هر حال انتشار کلمه‌ی اصطلاح یا قاعده‌ی سرف و نحوی از طرف مجله‌ی رسمی انجمن علمی بهمه‌ی اختلاف نظرها و مناقشه‌های دیگران خاتمه مودهند و راه را برای فعالیت های علمی دانشجویان و دانش یزدان هموار مسازد. در ایران نیز کشاورزی فرهنگستان از مهمترین اصلاحها بشمار می‌رود تا در نخستین مرحله بیکر شته اختلاف نظرها در باره‌ی بسواری از قاعده‌های سرف و نحوی آفواز ورسم خطی و املای خاتمه پخته و آنکه در همه‌ی رشته‌های علمی و صنعتی وادیان لغتهای دستگاهی بر کزیند و آنها در دسترس همگان قرار دهد و به هرج و مرچ شکفت آوری که هم اکنون در نظر معاصر فرمائروایی مهکتد توجه دقیق مبدول دارد و قاعده‌ها و قانونهایی برای نگهبانی زبان از رخته کردن و نفوذ زبانهای بیکانه بیندیشد. یکی از مؤلفان «عاصر تازی زبان» می‌نویسد: «تازیان هنگامی که لغتی را از زبان دیگر مهکر فتند آنرا تابع قانونهای لغت عرب قرار میدادند و علامتهای اعراب «رفع - نصب - جر» را بر آن جاری موساختند، آنرا با «ال» معرفه موساختند، کلمه‌ی بدان اضافه میکردند، یا آنرا مضاف‌الیه قرار میدادند، آنرا تنتیه و جمع می‌بستند، پیشوه‌ی تازی کلمه‌را صرف میکردند و از آن مشتق هایی چنان موساختند.

چنانکه از کلمه‌زنی در معرف « زندیک » پارسی فعلهایی نظیر: « زندق » و « ترندق » ساختند و از طراز معرف « تراز » طرز تطربیزا بنا کردند و صفت مطریز بکار برداشت و از دیوان پارسی: « دون تدوینا » ساختندواز نوروز: « نورزینورز » و از لجام « لگام »، « الجم »، « ملجم »، « الجام » و از جامه از در هم: « در هم ادر هم » و از منجنویق « جنقی یجنقی » درست کردند.

(از شعر اسلام ح ۲۵۰ تا لیف احمد امین)
همچنین کلمه‌های معرف رادر معنویت‌های گوناگون بکار میردند چنان‌که کلمه‌ی «دیوان» نخست
بر دفتری اطلاق موحد که در آن نامهای لشکریان را می‌توشتند، آنگاه کلمه‌را به معنی جای‌گاهی که دفتر
مزبور در آنجانه‌که داری موحد بکار برند و سپس همین کلمه‌را بر مجموعه‌ی شعرهای شاعر اطلاق کردند
و گفتند: دیوان بشار، دیوان امر والقوس و... ص ۲۵۱

در نظر گرفتن چنین نکته‌هایی که تازیان در جنديين قرن پوش آتها را درباره‌ی کلمه‌های پيکانه ملحوظ موداشتده، امری طبیعی است و بوش هنگامه که فرهنگستان ایران تشکول یابد، نه تنها اینکوئه نکته‌ها بلکه بسی از نکته‌های دیگر را که بالجهه‌ها و خصوصیات‌های دستوری پارسی وابسته است در نظر خواهد گرفت.

از فرهنگستان که بگذریم، دروضع گذونی که روزنامه‌ها و مجله‌ها و کتابها و رساله‌هاروز چروز آشیانه‌ی اسلامی یا بادوهد، استگی ملت‌ها بیکدیگر چه از طریق یومانه‌ای اقتصادی و فرهنگی و چه از زاده‌ای و بوتلوز یون دعوا و معاود بیکر و سوله‌های این عصر، بصورت روز افزونی استوارتر همگردد و گسترش می‌یابد و خواهی نخواهی این وضع در فروتنی یا قلن لفتهای تازه و اصطلاح‌های گوتاکون تاثیر می‌بخشد، انتشار یا قلن مجله‌های انتقادی که بشوه‌ی نو کتابها و دیگر نوشتنهای چاپی را مورد انتقاد قرار دهنده از همترین نوازندگیها بشمار می‌برد، در اثر معاصر تختیون نویسنده‌یون که از لحاظ لفظی برخی از ترجمه‌هارا مورد انتقاد قرار داده‌اند هم خدا بود که در روز نامه‌ی سوراسر افهل ذیل عنوان چرند توپرند عقاله‌ی فیکاهی مؤثثی دوین با ره نوشته بس از آن مهتوان داستان کوچک «فارسی شکر است» را در نظر آورد که آقای جمالزاده آفراد را کتاب یکی بودیکی نبود منظر ساختند. سپس هر حوم مادق هدایت در کتاب «وغ وغ ساهاب» بانتقاد نویسنده‌کان پرداخت که بوشتر چنین موضوعی داشت و افرادی بنظر همراه بودند و از هنگامیکه مجله‌ی سخن منتشر شد در قسمت معرفی کتابها گروهی از نویسنده‌کان مانند آقایان مجتبی هونی، سعید غفوسی دکتر زریاب خوبی، دکتر یارشاطر و دکتر زریون کوب و ایرج افشار و محبوب و مقری و دیگر ان برخی از کتب را انتقاد می‌کردند وهم اکنون علاوه بر مجله‌ی سخن و مجله‌ی یعنیما که اغلب مقاله‌های انتقادی نوزدارد، مجله‌ی راهنمای کتاب‌تها مجله‌ی انتقادی ایران است. البته نویسنده‌کان دیگری نوزیر مقاله‌های انتقادی هم‌تری داشته‌اند که‌ذ کر آنها پدر از سخن می‌کشد و کرد آوری دقیق این موضوع بر عده‌ی کسانی است که تاریخ انتقاد را در تشریف معاصر باید نویسنند. باری منتظر از یاد آوری تاریخچه‌ی مختصر انتقاد این بود که با گسترش روز افزون نوشتنهای چاپی و سوله‌های انتقادی مذکور کافی بمنظور تعریف و اکنون هنگام آن فرار وده است که وزارت فرهنگ نوزدستگاه مخصوصی برای بررسی کتابها پس از از نظر لفظی و درستی کلمه‌ها و جمله‌ها داشته باشد و بیش از انتشار هر کتاب آنرا بدقیق انتقاد کند، حدیثینه بنگاه‌های نشر کتاب نوزداید ناقدان بسیار داشته باشند تا بیش از انتشار کتابها انتقاد کنند و نگذارند زبان شهرین ایارسی دچار هرج و مرچ لفون و غلط های فاحش سرف و نحوی گردد.

باری سخن بدراز اکشوند میخواستم درین مقاله درباره همزه و چگونگی رسم خط آن درباره نکتهایی پنهان خواهد کان ارجمند بر سانام امام شاهده کردم درین باره اختلاف نظر بحدی فراوا است که مایه سر کردانی خواهند موهود و ازین رو بیهاد فرهنگستان افتدام همچوین درصد بودم شاهدهایی از کتابی که «رسوله وزارت فرهنگ بیجاپر سوده است» بر کزینم اما کتاب مزبور بحدی آکنده از غلطهای سرف و نسوزی بود که من ابیهاد مجله‌ای انتقادی و دستگاههای رهبری کنند انداخت و پرای اینکه از موضوع اصلی یا کوچیت تهذیب تشریعات بکلی خارج نشده باشم

نخست بیرون از اغلات کتاب مزبور بویژه آنها یکم که مر بوط به تهدیب نثر است اشاره میکنم و آنگاه یک قسم از شیوه‌ی نوشتن همزرا بمنظار خواهد کان میرسانم: یکی از مشکلهای نثر معاصر اینست که در زبان فارسی از صد اهای بانهای خارجی (انگلیسی-فرانسه) یافت نموده همچنان در زبانهای خارجی هزبور نیز بیرون از صد اهای خارجی افای فارسی و عربی نهاده از پنجه هنگام بر کرداشند فارسی بزبانهای فارسی در مباحثهای ایرانی تدارند یعنی همان کلمه‌ی فارسی تغییر یافته در زبان بیکانه‌را ای فارسی بر میکردند از سوی دیگر توجه ندارند که بیرون از صد اهای در فارسی چگونه پتویستند و حتی بنوشهای دیگرانه مراجعه نمیکنند و در توجه هرجوهرج و غلطهای جیوه رخ موده‌هند. در کتاب تاریخی که از طرف وزارت فرهنگ چاپ شده است دو کلمه‌ی «ترمذ» و «درینه» یا باب الابواب را که از شهرهای معروف ایران بوده‌اند و بکلمه‌ی نخست یکی از شاعران معرف ادب صابر ترمذی و بکلمه‌ی دوم فاضل درینه منسوب است مترجم از انگلیسی بدانسان بفارسی بر کرداشند است: (ترمذ) «درینه» ۱. درینه کتاب کلمه‌ی (تاورنه) را بدانسان می‌پنهم: «تا ورنه» ۲ و کلمه‌ی «اسن» را که نام شخصی است دریک صفحه «اوسن» و در صفحه‌ی دیگر «اوسن» آورده است ۳ کلمه‌ی (ونز) را دریک سطر «ونوس» و در دو سطر بعد «ونز» نوشته است ۴ «تسن» را که اروپاییان (ارتکس) می‌گویند بصورت «ارتکس» ترجمه کرده و نوشته است: «عکس العمل ارتکس در خلاف متول کل سی هر چند در غلط نامه بدانسان تصحیح شده است: عکس العمل تعصبات مذهب رسمنی برأی نجات درخت و عده شده»! باری این باد آور بهادر برای کوششای کرانمایی‌یک که مترجم همه‌ی کتاب در افزودن تاریخ‌هایی بر نوشته های پارسی انجام داده بهار ناجیز است و به همراه از فدد منزلت مترجم و کتاب نمی‌کاهد بلکه منتظر نشان دادن مشکلهایی است که هم‌کنون مترجمان با آنها روبرو هستند.

و به همراه درین رشته مقاله‌های کمترین غرض شخصی وجود ندارد و بهمین سبب از ذکر نام کتاب و مترجم خود داری شد تا بر غرض خصوصی حمل نشود و درین باره یعنی کلمه‌های تازه‌یکی که از زبانهای بیکانه داخل فارسی شده و بصورت‌های کوناکون آنها رامی‌نویسند رآنده بتفصیل بحث خواهد شد.

واما درباره‌ی همزه تنها یکی از قاعده‌های مر بوط بدانرا یاد میکنم و آن اینست که کلمه‌های مختوم به های مخفی راهنمای الحاق یا وحدت یانکره یا ضمیر یا نسبت چگونه باید نوشت؟ درین باره چهار شوه بکاررفته است:

۱- نامه ۲. قامه ۳. نامه ۴. نامه ۵. نامه ۶. نامه ۷. نامه ۸. نامه ۹. نامه ۱۰. نامه ۱۱. نامه ۱۲. نامه ۱۳. نامه ۱۴. نامه ۱۵. نامه ۱۶. نامه ۱۷. نامه ۱۸. نامه ۱۹. نامه ۲۰. نامه ۲۱. نامه ۲۲. نامه ۲۳. نامه ۲۴. نامه ۲۵. نامه ۲۶. نامه ۲۷. نامه ۲۸. نامه ۲۹. نامه ۳۰. نامه ۳۱. نامه ۳۲. نامه ۳۳. نامه ۳۴. نامه ۳۵. نامه ۳۶. نامه ۳۷. نامه ۳۸. نامه ۳۹. نامه ۴۰. نامه ۴۱. نامه ۴۲. نامه ۴۳. نامه ۴۴. نامه ۴۵. نامه ۴۶. نامه ۴۷. نامه ۴۸. نامه ۴۹. نامه ۵۰. نامه ۵۱. نامه ۵۲. نامه ۵۳. نامه ۵۴. نامه ۵۵. نامه ۵۶. نامه ۵۷. نامه ۵۸. نامه ۵۹. نامه ۶۰. نامه ۶۱. نامه ۶۲. نامه ۶۳. نامه ۶۴. نامه ۶۵. نامه ۶۶. نامه ۶۷. نامه ۶۸. نامه ۶۹. نامه ۷۰. نامه ۷۱. نامه ۷۲. نامه ۷۳. نامه ۷۴. نامه ۷۵. نامه ۷۶. نامه ۷۷. نامه ۷۸. نامه ۷۹. نامه ۸۰. نامه ۸۱. نامه ۸۲. نامه ۸۳. نامه ۸۴. نامه ۸۵. نامه ۸۶. نامه ۸۷. نامه ۸۸. نامه ۸۹. نامه ۹۰. نامه ۹۱. نامه ۹۲. نامه ۹۳. نامه ۹۴. نامه ۹۵. نامه ۹۶. نامه ۹۷. نامه ۹۸. نامه ۹۹. نامه ۱۰۰. نامه ۱۰۱. نامه ۱۰۲. نامه ۱۰۳. نامه ۱۰۴. نامه ۱۰۵. نامه ۱۰۶. نامه ۱۰۷. نامه ۱۰۸. نامه ۱۰۹. نامه ۱۱۰. نامه ۱۱۱. نامه ۱۱۲. نامه ۱۱۳. نامه ۱۱۴. نامه ۱۱۵. نامه ۱۱۶. نامه ۱۱۷. نامه ۱۱۸. نامه ۱۱۹. نامه ۱۲۰. نامه ۱۲۱. نامه ۱۲۲. نامه ۱۲۳. نامه ۱۲۴. نامه ۱۲۵. نامه ۱۲۶. نامه ۱۲۷. نامه ۱۲۸. نامه ۱۲۹. نامه ۱۳۰. نامه ۱۳۱. نامه ۱۳۲. نامه ۱۳۳. نامه ۱۳۴. نامه ۱۳۵. نامه ۱۳۶. نامه ۱۳۷. نامه ۱۳۸. نامه ۱۳۹. نامه ۱۴۰. نامه ۱۴۱. نامه ۱۴۲. نامه ۱۴۳. نامه ۱۴۴. نامه ۱۴۵. نامه ۱۴۶. نامه ۱۴۷. نامه ۱۴۸. نامه ۱۴۹. نامه ۱۵۰. نامه ۱۵۱. نامه ۱۵۲. نامه ۱۵۳. نامه ۱۵۴. نامه ۱۵۵. نامه ۱۵۶. نامه ۱۵۷. نامه ۱۵۸. نامه ۱۵۹. نامه ۱۶۰. نامه ۱۶۱. نامه ۱۶۲. نامه ۱۶۳. نامه ۱۶۴. نامه ۱۶۵. نامه ۱۶۶. نامه ۱۶۷. نامه ۱۶۸. نامه ۱۶۹. نامه ۱۷۰. نامه ۱۷۱. نامه ۱۷۲. نامه ۱۷۳. نامه ۱۷۴. نامه ۱۷۵. نامه ۱۷۶. نامه ۱۷۷. نامه ۱۷۸. نامه ۱۷۹. نامه ۱۸۰. نامه ۱۸۱. نامه ۱۸۲. نامه ۱۸۳. نامه ۱۸۴. نامه ۱۸۵. نامه ۱۸۶. نامه ۱۸۷. نامه ۱۸۸. نامه ۱۸۹. نامه ۱۹۰. نامه ۱۹۱. نامه ۱۹۲. نامه ۱۹۳. نامه ۱۹۴. نامه ۱۹۵. نامه ۱۹۶. نامه ۱۹۷. نامه ۱۹۸. نامه ۱۹۹. نامه ۲۰۰. نامه ۲۰۱. نامه ۲۰۲. نامه ۲۰۳. نامه ۲۰۴. نامه ۲۰۵. نامه ۲۰۶. نامه ۲۰۷. نامه ۲۰۸. نامه ۲۰۹. نامه ۲۱۰. نامه ۲۱۱. نامه ۲۱۲. نامه ۲۱۳. نامه ۲۱۴. نامه ۲۱۵. نامه ۲۱۶. نامه ۲۱۷. نامه ۲۱۸. نامه ۲۱۹. نامه ۲۲۰. نامه ۲۲۱. نامه ۲۲۲. نامه ۲۲۳. نامه ۲۲۴. نامه ۲۲۵. نامه ۲۲۶. نامه ۲۲۷. نامه ۲۲۸. نامه ۲۲۹. نامه ۲۳۰. نامه ۲۳۱. نامه ۲۳۲. نامه ۲۳۳. نامه ۲۳۴. نامه ۲۳۵. نامه ۲۳۶. نامه ۲۳۷. نامه ۲۳۸. نامه ۲۳۹. نامه ۲۴۰. نامه ۲۴۱. نامه ۲۴۲. نامه ۲۴۳. نامه ۲۴۴. نامه ۲۴۵. نامه ۲۴۶. نامه ۲۴۷. نامه ۲۴۸. نامه ۲۴۹. نامه ۲۴۱۰. نامه ۲۴۱۱. نامه ۲۴۱۲. نامه ۲۴۱۳. نامه ۲۴۱۴. نامه ۲۴۱۵. نامه ۲۴۱۶. نامه ۲۴۱۷. نامه ۲۴۱۸. نامه ۲۴۱۹. نامه ۲۴۲۰. نامه ۲۴۲۱. نامه ۲۴۲۲. نامه ۲۴۲۳. نامه ۲۴۲۴. نامه ۲۴۲۵. نامه ۲۴۲۶. نامه ۲۴۲۷. نامه ۲۴۲۸. نامه ۲۴۲۹. نامه ۲۴۳۰. نامه ۲۴۳۱. نامه ۲۴۳۲. نامه ۲۴۳۳. نامه ۲۴۳۴. نامه ۲۴۳۵. نامه ۲۴۳۶. نامه ۲۴۳۷. نامه ۲۴۳۸. نامه ۲۴۳۹. نامه ۲۴۳۱۰. نامه ۲۴۳۱۱. نامه ۲۴۳۱۲. نامه ۲۴۳۱۳. نامه ۲۴۳۱۴. نامه ۲۴۳۱۵. نامه ۲۴۳۱۶. نامه ۲۴۳۱۷. نامه ۲۴۳۱۸. نامه ۲۴۳۱۹. نامه ۲۴۳۲۰. نامه ۲۴۳۲۱. نامه ۲۴۳۲۲. نامه ۲۴۳۲۳. نامه ۲۴۳۲۴. نامه ۲۴۳۲۵. نامه ۲۴۳۲۶. نامه ۲۴۳۲۷. نامه ۲۴۳۲۸. نامه ۲۴۳۲۹. نامه ۲۴۳۳۰. نامه ۲۴۳۳۱. نامه ۲۴۳۳۲. نامه ۲۴۳۳۳. نامه ۲۴۳۳۴. نامه ۲۴۳۳۵. نامه ۲۴۳۳۶. نامه ۲۴۳۳۷. نامه ۲۴۳۳۸. نامه ۲۴۳۳۹. نامه ۲۴۳۳۱۰. نامه ۲۴۳۳۱۱. نامه ۲۴۳۳۱۲. نامه ۲۴۳۳۱۳. نامه ۲۴۳۳۱۴. نامه ۲۴۳۳۱۵. نامه ۲۴۳۳۱۶. نامه ۲۴۳۳۱۷. نامه ۲۴۳۳۱۸. نامه ۲۴۳۳۱۹. نامه ۲۴۳۳۲۰. نامه ۲۴۳۳۲۱. نامه ۲۴۳۳۲۲. نامه ۲۴۳۳۲۳. نامه ۲۴۳۳۲۴. نامه ۲۴۳۳۲۵. نامه ۲۴۳۳۲۶. نامه ۲۴۳۳۲۷. نامه ۲۴۳۳۲۸. نامه ۲۴۳۳۲۹. نامه ۲۴۳۳۳۰. نامه ۲۴۳۳۳۱. نامه ۲۴۳۳۳۲. نامه ۲۴۳۳۳۳. نامه ۲۴۳۳۳۴. نامه ۲۴۳۳۳۵. نامه ۲۴۳۳۳۶. نامه ۲۴۳۳۳۷. نامه ۲۴۳۳۳۸. نامه ۲۴۳۳۳۹. نامه ۲۴۳۳۳۱۰. نامه ۲۴۳۳۳۱۱. نامه ۲۴۳۳۳۱۲. نامه ۲۴۳۳۳۱۳. نامه ۲۴۳۳۳۱۴. نامه ۲۴۳۳۳۱۵. نامه ۲۴۳۳۳۱۶. نامه ۲۴۳۳۳۱۷. نامه ۲۴۳۳۳۱۸. نامه ۲۴۳۳۳۱۹. نامه ۲۴۳۳۳۲۰. نامه ۲۴۳۳۳۲۱. نامه ۲۴۳۳۳۲۲. نامه ۲۴۳۳۳۲۳. نامه ۲۴۳۳۳۲۴. نامه ۲۴۳۳۳۲۵. نامه ۲۴۳۳۳۲۶. نامه ۲۴۳۳۳۲۷. نامه ۲۴۳۳۳۲۸. نامه ۲۴۳۳۳۲۹. نامه ۲۴۳۳۳۳۰. نامه ۲۴۳۳۳۳۱. نامه ۲۴۳۳۳۳۲. نامه ۲۴۳۳۳۳۳. نامه ۲۴۳۳۳۳۴. نامه ۲۴۳۳۳۳۵. نامه ۲۴۳۳۳۳۶. نامه ۲۴۳۳۳۳۷. نامه ۲۴۳۳۳۳۸. نامه ۲۴۳۳۳۳۹. نامه ۲۴۳۳۳۳۱۰. نامه ۲۴۳۳۳۳۱۱. نامه ۲۴۳۳۳۳۱۲. نامه ۲۴۳۳۳۳۱۳. نامه ۲۴۳۳۳۳۱۴. نامه ۲۴۳۳۳۳۱۵. نامه ۲۴۳۳۳۳۱۶. نامه ۲۴۳۳۳۳۱۷. نامه ۲۴۳۳۳۳۱۸. نامه ۲۴۳۳۳۳۱۹. نامه ۲۴۳۳۳۳۲۰. نامه ۲۴۳۳۳۳۲۱. نامه ۲۴۳۳۳۳۲۲. نامه ۲۴۳۳۳۳۲۳. نامه ۲۴۳۳۳۳۲۴. نامه ۲۴۳۳۳۳۲۵. نامه ۲۴۳۳۳۳۲۶. نامه ۲۴۳۳۳۳۲۷. نامه ۲۴۳۳۳۳۲۸. نامه ۲۴۳۳۳۳۲۹. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۰. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۱. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۲. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۴. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۵. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۶. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۷. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۸. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۹. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۱۰. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۱۱. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۱۲. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۱۳. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۱۴. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۱۵. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۱۶. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۱۷. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۱۸. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۱۹. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۲۰. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۲۱. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۲۲. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۲۳. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۲۴. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۲۵. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۲۶. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۲۷. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۲۸. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۲۹. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۰. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۴. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۵. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۶. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۷. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۸. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۹. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۰. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۱. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۲. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۳. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۴. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۵. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۶. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۷. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۸. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۹. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۰. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۱. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۲. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۳. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۴. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۵. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۶. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۷. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۸. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۹. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۰. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۱. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۲. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۳. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۴. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۵. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۶. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۷. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۸. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۹. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۱۰. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۱۱. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۱۲. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۱۳. نامه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۱۴. نامه ۲